

آداب و شعائر مربوط به مرگ در دین هندوی

دکتر عبدالحسین لطیفی*

چکیده

در بعد آیینی ادیان مختلف از جمله دین هندوی، شعائر مربوط به مرگ از جایگاه برجسته ای برخوردار است. اهتمام مجددانه به این آیین ها بازتاب دهنده جایگاه مرگ و وضعیت روان در گذشته در این دین است. از این رو پژوهش حاضر به نحوه ی برگزاری آیین های مرگ و پس از مرگ و نیز مراحل مختلف آن پرداخته است و در بردارنده ی موضوعاتی از قبیل آداب احتضار، تشییع، مرده سوزی و مراحل آن در آیین هندوی است. همچنین در صدد است که از رهگذر شناساندن این مراسم گام کوچکی در راه ایجاد شناخت نسبت به نگرش این آیین به مفهوم مرگ و برگزاری مراسمی که در سرنوشت روان پس از مرگ تأثیر بسزایی دارند، بردارد. ضرورت انجام تحقیق آن است که مطالعه آیین های جوامع مختلف به ویژه جامعه ی هندوی با قرابت های فرهنگی و جغرافیایی بسیار با ما، می تواند در تعامل بهتر مردم هند و ایران موثر باشد و به همدلی بیشتر بینجامد. حاصل این نوشتار آن است که در می یابیم که پیروان آیین مذکور، که برای جهان پس از مرگ و نیز سرنوشت انسان در آن جهان اهمیت زیادی قائلند و وضعیت روان فرد در گذشته را منوط به برگزاری آیین های مرگ می دانند، اجرای دقیق این آیین ها را وجهه همت خود قرار می دهند. این نوشتار باروش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای شیوه ی کتابخانه ای انجام گرفته است.

کلیدواژه ها: احتضار، تشییع، مرده سوزی، ستی، هندوی.

*Email: Hoseinlatifi@iausr.ac.ir

استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری

مقدمه

مرگ واقعه ای است که وقوع آن در هر لحظه از زندگی محتمل است. معمولاً مرگ مقدمه ای برای مواجهه با داوری و نیز واقعه ای تلقی می شود، که از رهگذر آن فرد از چیزهایی که برای او ناخوش است رهایی می یابد و به چیزهایی که در آرزوی آنها بوده است دست می یابد. در ادیان مختلف مرگ واقعه ای بزرگ به شمار می آید. واقعه ای که از رهگذر آن فرد می تواند تعالی یابد و حقایقی بر او کشف شود که در زندگی این جهان بر او نامکشوف بوده است. فراتر از همه ی این ها، معمولاً در ادیان مختلف مرگ امری است که انسان را بی واسطه با خدا یا حقیقت نهایی مواجه می سازد.

فرضیه نگارنده این است که برگزاری مراسم مربوط به مرگ به بازماندگان فرد در گذشته کمک می کند که خود را با این واقعه (مرگ) سازگار کنند و فقدان فرد در گذشته را آسان تر تحمل کنند. آداب و شعائر مربوط به مرگ در جوامع مختلف بسته به باورها و اعتقادات دینی متفاوت است و بر مبنای موضوعاتی همچون تولد مجدد یا باز زایی، پیوستن فرد در گذشته به نیاکان و نیز جاودانگی روح شکل می گیرد. علاوه بر این برگزاری این شعائر به روح فرد در گذشته کمک می کند که در سفر خود به جهان دیگر و رسیدن به مقصد نهایی خود موفق (Penelope, 2004 :107)

بر این اساس در بحث مرگ دو مقوله ی کلی وجود دارد: ۱- سرنوشت انسان پس از مرگ که بیش از آنچه گفته شد، مجال بحث آن در این مقال نیست. ۲- آداب و شعائری که بازماندگان فرد متوفی در زمان احتضار، هنگام مرگ و پس از مرگ درباره ی شخص در گذشته برگزار می کنند که با توجه به اینکه نمی توان اصطلاح شامل و جامعی برای این آداب وضع کرد، تسامحاً در این نوشتار از اصطلاح کفن و دفن استفاده خواهد شد. بر این اساس این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که مراسم کفن و دفن یا به تعبیر دیگر شعائر مربوط به مرگ کدامند و چه تاثیری در سرنوشت فرد در گذشته و نیز بازماندگان او دارد. در اینجا اجمالاً می توان گفت، کفن و دفن آیینی است که برگزاری آن باعث بازسازی و تحکیم مجدد روابط میان افراد جامعه، قبیله یا خاندان می شود. آیین کفن و دفن دو کارکرد دارد: کارکرد اول

برقراری ارتباط میان زندگان و عالم مردگان است و کارکرد دوم کمک به بازماندگان فرد متوفی برای بازسازی و از سرگیری مجدد زندگی خود است. در حقیقت آیین کفن و دفن با تلفیق عناصر مثبت و منفی بازماندگان را تسلی داده، باعث همبستگی مجدد ایشان می شود. به لحاظ روحی روانی مراسم کفن و دفن بخشی از فرآیند عزاداری به حساب می آید، چرا که از رهگذر چنین مراسمی بازماندگان مرگ عزیز خود را باور می کنند. در حقیقت آیین کفن و دفن هم ناظر بر فقدان فرد در گذشته و هم جهت فائق آمدن بر اندوه ناشی از این فقدان است. (KoninkBrill, 2009: 421)

بر پایه آن چه گفته آمد آیین های مربوط به کفن و دفن یا به تعبیر دیگر آداب و شعائر مربوط به مرگ در دین هندویی مورد مطالعه قرار می گیرد. مفهوم مرگ در بین اقوام هند، با این مفهوم در میان اقوام ابتدایی دیگر فرق اساسی چندانی ندارد.

در میان چنین اقوامی، مرگ معمولاً معلول علل طبیعی نیست، بلکه در نتیجه دخالت دیوان و ارواح خبیث اتفاق می افتد. منشأ این باور حوادثی از قبیل هجوم حیوانات وحشی به افراد و یا فراگیر شدن بیماری های مهلک است. از همین جاست که بسیاری از قبایل و اقوام از ابزارهایی جهت به کاربردن جادو استفاده می کنند. به باور این اقوام، روح عبارت است از انسان یا حیوان کوچکی که کالبد را تسخیر کرده، آن را به حرکت وادار می کند. این روح می تواند هنگام خواب و رویا از بدن خارج شود، لذا در هنگام مرگ نیز روح با جدا شدن از بدن می تواند در جاهای مختلف حاضر شود. روح پس از مرگ و خروج از بدن تبدیل به موجودی مجرد و با قدرت زیاد می شود و زندگان همواره در معرض خطر چنین ارواحی قرار دارند، تا وقتی این ارواح در غالب جدیدی جای گیرند. روح در فترت میان دو نشئه در یک قالب موقت مانند درخت یا حیوان پناه می گیرد. بعضاً این باور وجود دارد که روح در محل مرگ باقی می ماند و یا در قبر یا محل سوزاندن جسد ساکن می شود. در شرایطی که باوری چنین در میان مردم وجود دارد، پر واضح است که برای انجام مراسم پس از مرگ (کفن و دفن یا سوزاندن جسد) اهمیت فوق العاده ای قائل شوند. اما در میان مردمان

جهان شاید هیچ جامعه ای را نتوان یافت که مانند هندوان نسبت به ترضیه ی خاطر روح فرد متوفی و دفع شر آن اهتمام بورزد (Crooke W, 2000, 2/517)

مواجهه با مرگ و مسائل مربوط به آن در دین هندویی مشقت بارتر و دردآور تر از هر چیز دیگر به حساب می آید. برگزاری شعائر مربوط به مرگ به منظور رستگاری و سعادت فرد متوفی امری ضروری است. براساس باورهای هندویی زندگی فرد هر چه که باشد، تا آن فرد در نزدیکی رود مقدس به ویژه گنگ (Gange) نمیرد و یا در نزدیکی آن رود جسد وی سوزانده نشود و تا بخشی از خاکستر جسد وی به آن رود یا شعبه ای از آن رود ریخته نشود، روح آن فرد متوفی همواره در رنج و عذاب خواهد بود و از نیل به سعادت و نجات محروم خواهد ماند. بنا بر این باور، برگزاری این شعائر و شرکت در چنین مراسمی برای بازماندگان فرد در گذشته امری واجب است و فرو گذاری آن ممکن نیست. نفس برگزاری چنین شعائری از چنان اهمیتی برخوردار است که حالات روحی و درونی بازماندگان اعم از نیت خیر و بد تأثیری در این مراسم ندارد. و بر این اساس نفس برگزاری این مراسم در نجات فرد متوفی موثر است.

جایگاه و اهمیت رود مقدس به ویژه گنگ در آیین ها و شعائر هندویی به خصوص آیین های مربوط به مرگ از این باور ناشی می شود که رود گنگ جایگاهی آسمانی دارد و بر این اساس آب های گنگ می تواند گناهان فرد را بشوید و از بین ببرد. لذا چنین است که بودن فرد در کنار رود گنگ یا بخشی از آن و یا حتی وجود مقداری از آب آن در لحظات پایانی زندگی امری بسیار مهم و ضروری است. از همین روست که ریختن خاکستر و بقایای جسد فرد متوفی در آب های رود مقدس به ویژه گنگ اهمیتی بسزا می یابد. در حقیقت رود گنگ در نزد هندوان، مادر به حساب می آید (wilkins W., 1900:369-72)

اهتمام به برگزاری شعائر مربوط به مرگ از این باور نشأت می گیرد که هر فرد برای رسیدن به جاودانگی باید بمیرد و از غالب جسمانی رها شود. در حقیقت هر فردی برای رسیدن به جاودانگی چه از راه معرفت و چه از رهگذر انجام اعمال نیک، باید حیات این جهان را ترک گوید. (Holck F. H., 1953:9) اما در هر حال برگزاری آیین ها و شعائر دقیق برای رستگاری

فرد متوفی ضروری است. این آیین‌ها یعنی آیین‌های مربوط به مرگ و پس از مرگ، با قرار گرفتن فرد در حالت احتضار آغاز می‌شوند که درآماده سازی روحانی او برای مرگی آرام بخش تأثیری شایان توجه دارند.

پیشینه تحقیق

تحقیقات و بررسی‌های زیادی درباره‌ی آداب و شعائر مرگ و پس از مرگ در دین هندوانجام شده است و کتاب‌های متعددی نیز در این زمینه نگاشته شده که در این مقاله نیز، به عنوان منبع مورد استفاده قرار گرفته است. از سری تحقیقات انجام شده به موارد زیر اشاره می‌شود:

مونیز ویلیامز (۱۹۷۴) در کتاب خود (تفکر مذهبی و زندگی در هند) بطور کلی به اندیشه و شیوه زندگی هندوان می‌پردازد؛ و در بخشی از کتاب آداب مربوط به مرگ و پس از مرگ بطور خلاصه طرح شده‌اند. به رقم اینکه کتاب به اجمال به این آیین‌ها می‌پردازد اما مرده سوزی را با تفصیل و تدقین بیشتری طرح می‌کند.

ای باب لاورنس (۱۹۷۵) در مقاله خود (هندوئیسم عمومی در هند مرکزی) در کنار مرده سوزی که که معمول‌ترین شیوه تدفین در هند و دین هندویی است؛ به شیوه دیگر تدفین یعنی خاکسپاری می‌پردازد، بر این اساس سه دسته از افراد یعنی کودکان، فقرا و قدیسان سوزانده نمی‌شوند، بلکه به خاک سپرده می‌شوند. به طور کلی این کتاب به بررسی آداب مربوط به مرگ در منطقه مرکزی هند می‌پردازد.

ویلکینز (۱۹۷۶) در کتاب خود (هندوئیسم مدرن و رابطه مذهب و زندگی هندی‌ها در شمال هندوستان) ضمن پرداختن به مراسم تدفین بر این موضوع تأکید میکند که برگزاری دقیق آیین‌های مربوط به کفن و دفن به ویژه مرده سوزی از چنان جایگاهی در سرنوشت فرد درگذشته برخوردار است که صرف نظر از نسبت اطرافیان خود، برگزاری شعائر در سرنوشت فرد متوفی تأثیرشایان دارد. همچنین در این کتاب تأکید میکند که حضور خویشاوندان نزدیک فرد متوفی در آیین‌های کفن و دفن ضروری است. به طور کلی در این کتاب این امر

مورد تاکید قرار میگیرد که صرف برگزاری دقیق آیین ها، صرف نظر از روح این آیین ها و نیات بازماندگان و حتی خود فرد متوفی در فرجام، در فرجام وی نقش به سزایی دارد.

آداب احتضار

هنگامی که یک فرد هندو مرگ خود را نزدیک می بیند، خویشاوندان را فراهم می آورد و با مهربانی با ایشان سخن می گوید. در کنار بستر فرد مشرف به مرگ، سه آتش برافروخته می شود و دست کم یک آتش در بالای سر او یعنی به سمت جنوب قرار داده می شود. در گوش فرد محتضر به طور مکرر قطعاتی از متون مقدس از قبیل وداها (Veda) و آرانیکه ها (Aranyaka) خوانده می شود. (Hillenbrandt A., 2009, 2/513, Stephen, 1940: 51)

هنگامی که نشانه های مرگ در چهره فرد محتضر ظاهر می شود، بازماندگان او را به سرعت از روی بستر برداشته، بر روی زمین می خوابانند. زیرا بر این باور هستند که فرد باید بر روی زمین بمیرد و در حقیقت مردن در بستر و بر روی تختخواب برای فرد در گذشته گناه و نامیمون به حساب می آید. (Stephen, Art. cit, 52)

اگر اطرافیان، فرد در آستانه مرگ را بر روی زمین قرار ندهند، روح وی در عالم دیگر دچار عذاب خواهد شد و لذا بازماندگان را مورد آزار قرار می دهد و بازماندگان در صورت ارتکاب چنین گناهی تنها از طریق تقدیم قربانی های بزرگ می توانند از پادافره این گناه بزرگ رها شوند. (Idem, 53) در صورتی که محتضر، پیر باشد یا از بیماری مضمی رنج کشیده باشد، برای او مراسمی بنام وایتارانی (Vaitarani) برگزار می شود. نام این مراسم از نام رودخانه ای گرفته شده است که تصور می شود فرد در گذشته پیش از ورود به بهشت باید از آن عبور کند. پیش از آن که روز انتقال محتضر یا بیمار به کنار رود مقدس به منظور برگزاری تشریفات پیش از مرگ فرابرسد، خویشاوندان وی پولی را در عوض خرید گاو به افراد برهمن (Brahman) می دهند و باور بر این است که این برهمنان فرد متوفی را در خلال عبور از رودخانه ای وایتارانی یاری و هدایت می کنند. (Wilkins W, Op. cit. 390) در حالت احتضار، اگر فرد شود را (Shudra) (در نظام طبقاتی جامعه هندویی جامعه به چهار طبقه تقسیم می شود که در نگاه دقیق تر باید آن را سه بعلاوه یک دانست براین اساس سه طبقه اول که

عبارتند از برهمن (Brahman)، کشتریه (kshatriya) و ویسیه (Visiya)، آریایی به حساب می آیند و طبقه چهارم که شودره نام دارد غیر آریایی است و در حقیقت همان بومیان هند هستند که توسط آریاییان مغلوب شده اند و خارج از نظام طبقاتی به حساب می آیند). باشد، در فضایی سرپوشیده و چنان چه از طبقات سه گانه دیگر باشد، در فضای باز بر روی بستری از چمن قرار داده می شود. در این حالت، بسته به توان مالی فرد، باید برای وی قربانی خونی انجام شود، و یا زمین، طلا، نقره، یا چیز دیگری از طرف او پیشکش شود. در صورتی که فرد محتضر از توانایی مالی برخوردار نباشد، این قربانی یا پیشکشی ها باید از سوی فرد دیگری به نام فرد محتضر انجام شود. (Idem,455)

در روز انتقال محتضر به کنار رود مقدس (چرا که مرجح است هر فرد هندو در کنار رود مقدس به ویژه گنگ بمیرد). خویشاوندان به ویژه زنان که حق خروج از خانه و مشایعت او را ندارند، بر سر و سینه زنان گرداگرد فرد بیمار یا محتضر قرار می گیرند، به طوری که بخشی از ایشان دست در دست یکدیگر فرد محتضر را در حلقه ی خود می گیرند و برخی دیگر خود را بر زمین می افکنند. (Idem.375) آن گاه خویشاوندان ذکور تخت فرد محتضر را بردوش گرفته، به طرف رود گنگ می برند و در راه به طور مکرر و با صدای بلند نام خدایان و الهه گان را بر زبان می آورند. پس از رسیدن به ساحل رود، تخت را نزدیک آب رودخانه می گذارند و از فرد محتضر می خواهند به آب نظر افکند و خطاب به رودخانه بگویند که من به دیدار مادرم گنگ آمده ام سپس محتضر را از تخت برگرفته، بر بستری ساده قرار می دهند و اطرافیان گرداگرد او حلقه می زنند و ناله های دلخراش سر میدهند. لحظاتی پیش از مرگ محتضر، بار دیگر او را بر لب رود می آورند و می کوشند در لحظه جان سپردن بخشی از بدن او در آب باشد. (Idem.376)

چنان چه محتضر یا بیماری که به منظور برگزاری تشریفات پیش از مرگ، به کنار رود گنگ آورده شده است، نمیرد و او رابه خانه بازگردانند، این امر مایه ی شرمساری او خواهد بود و نشان این است که گنگ او را نپذیرفته است. حتی در بعضی موارد، اخلاف چنین فردی که مورد پذیرش رودخانه ی گنگ نبوده است، امتیازات طبقاتی خود را از دست داده، از طبقه

اخراج می شوند. البته می توان گفت امروزه چنین باورهایی تقریباً رواج ندارد. (Idem.381)
 (امروزه در صورتی که امکان انتقال محتضر به کنار رود مقدس وجود نداشته باشد، در لحظه
 ی مرگ یا پس از مرگ سه قاشق از آب رود گنگ را در دهان متوفی می ریزند و چراغی
 که با روغن کنجد می سوزد، در کنار او قرار می دهند، و در بیرون خانه آتش بر می افروزند.
 (1&2www.indiancremationnfp.org)

آداب مربوط به جسد و تشییع آن

همان گونه که گفته شد، در لحظه مرگ یا پس از آن، سه قاشق از آب رود گنگ را در
 دهان مرده می ریزند. آن گاه جنازه را بر تخت می خوابانند، به گونه ای که روی جنازه به
 طرف جنوب باشد. سپس دهان و چشمان او را می بندند. همچنین انگشتان هر دو پای او را
 با طنابی به یکدیگر میبندند. دست های او را بر روی سینه قرار می دهند، به طوری که
 شست ها در یکدیگر گره بخورند. چنان چه فرد در گذشته مرد یا زن بیوه باشد، جنازه او را
 تا گردن با پارچه ی سفید می پوشانند. در صورتی که فرد متوفی زن باشد چه ازدواج کرده
 و چه نکرده باشد، برای پوشاندن جسد او از پارچه ی نارنجی، زرد یا قرمز استفاده می کنند.
 آن گاه چراغی که با روغن کنجد می سوزد بالای سر او قرار می دهند. حضار به ذکر نام خدا
 و ادعیه می پردازند. پسر بزرگ یا نزدیک ترین خویشاوند ذکور فرد متوفی غسل می کند.
 البته در صورتی که فرد متوفی زن باشد کوچکترین پسر او غسل می کند. فرد می تواند
 پیش از وفات وصیت کند که شعائر مربوط به مرگ را دخترش انجام دهد. خویشاوندان
 نزدیک پیش از شستشوی جنازه، سر فرد در گذشته را با روغن تدهین می کنند. یک یا دو
 ساعت پیش از انتقال جسد از خانه به محل مرده سوزی آن را شستشو می دهند. جسد زن
 باید تنها توسط زنان شستشو داده شود (Art.cit, 2)

در صورت ضرورت خویشاوندان دورتر اطرافیان و یا حتی اعضای قبایل دیگر متکفل
 برگزاری این مراسم می شوند، جسد حتی الامکان باید کمترین مدت در خانه باقی بماند. در
 صورتی که فرد در گذشته مرد باشد، عده ای از مردان خویشاوند که معمولاً خویشاوندان
 پدری هستند، جواهرات، زینت آلات و لباس های فرد متوفی را از تن او دور می کنند. این

کار ترجیحاً نباید توسط پدر، پسر، دختر و همسر انجام شود. در صورتی که فرد در گذشته زن باشد این کارها باید توسط زن انجام شود، هرچند این امکان نیز وجود دارد که مردان این کار را انجام دهند. در این هنگام خواهر فرد متوفی ظرف هایی را از برنج یا دیگر غلات پر می کند. البته این کار نباید در خانه فرد متوفی بلکه در خانه دیگری انجام شود. چرا که خانه فرد متوفی در آن هنگام ناپاک به حساب می آید. پس از انجام این اقدامات جسد را در پارچه می پوشانند. (van, 1950: 2/513) آن گاه جسد را از خانه خارج می کنند و بر بستری که از علف ساخته شده است به گونه ای قرار می دهند که روی آن به آسمان باشد. (Idem, 213) سپس عده ای برای تهیه تابوت از آن محل خارج می شوند. پس از آماده شدن تابوت، سه یا چهار نفر جسد را از آن جایی که در آن قرار گرفته خارج می کنند و بر تابوت می گذارند. (Stephen, Art.cit 55-6) در این هنگام بیوه فرد در گذشته طی سخنانی با همسر متوفی خود وداع می کند و جواهر و زینت آلات خود را از تن به در می آورد. (Idem, 57)

اگر مرگ در غروب یا شب اتفاق بیفتد، تدارک مراسم کفن و دفن به فردای آن روز موکول می شود. (Idem, 58) پس از انجام آداب مربوط به جسد چهارتن از خویشاوندان نزدیک جسد را بر تابوت قرار داده، بر شانه های خود حمل می کنند. حمل جسد باید به گونه ای باشد که سر فرد متوفی در جلو قرار بگیرد. (F. van, Art.cit, 213)

هنگام تشییع، در پیشاپیش جمعیت تشییع کننده، مردی (پسر بزرگ یا نزدیک ترین خویشاوند فرد متوفی) با در دست گرفتن مشعلی حرکت میکند، که این مشعل از آتش خانگی افروخته می شود. پشت سر آن مرد، آتش مقدس و ابزار مربوط به مرده سوزی حمل می شود. در پس این آتش مقدس، تابوت یا حصیری که جسد را در آن قرار داده اند، توسط خویشاوندان، افراد سالخورده، و یا خدمت کاران حمل و تشییع می شود. در بسیاری از موارد به منظور حمل جسد، آتش مقدس، و ابزار مربوط به مرده سوزی، درشکه ای اختصاص می یابد. این درشکه توسط یک گاو نر سیاه کشیده می شود. تشییع کنندگان از پس این درشکه حرکت می کنند. سالخوردهگان پیشاپیش گروه تشییع کننده و در عقب ایشان جوانترها حرکت می کنند. حمل کنندگان تابوت باید به سرعت راه بپیمانند. تا جائیکه ممکن است تشییع باید از

بیراهه انجام شود. به عبارت دیگر جنازه را ترجیحاً از راه اصلی محل سکونت تشییع نمی کنند. زنان و خردسالان از حضور در تشییع منع می شوند. شاید بتوان علت آن را وجود این باور عمومی دانست که خطر روح در گذشته بیش از همه متوجه زنان و کودکان می شود (Fuchs Stephen, Art.Cit, 59) البته مراسم تشییع در جزئیات با یکدیگر متفاوت است. در خلال تشییع فرد متوفی، ادعیه و اذکاری خطاب به خدای پوسان (Pusan) (خدای پوسان یکی از خدایان مرگ است و در کنار یمه - فرمانروای جهان مردگان - ذکر می شود) خوانده می شود. هنگامی که یک چهارم یا یک سوم از راه طی شد، یکی از پیمانان سه گانه ی برنج را بر روی زمین و به سمت جنوب می پاشند. البته اگر فقط یک پیمانان برنج وجود داشته باشد، یک سوم آن را در این هنگام بر زمین می پاشند. در این مرحله جمعیت تشییع کننده با موهای پریشان سه بار از راست به چپ به گرد جسد می گردند و با دست به ران راست خود می کوبند و حاشیه ی جامه ی خود را بر فراز جسد تکان می دهند. سپس همین کار را از چپ به راست انجام می دهند، با این تفاوت که در این حال، انتهای جامه های خود را بر فراز جسد تکان نمی دهند. تمام این عمل در ثلث دوم راه و نیز در انتهای مسیر تکرار می شود. در هریک از این آیین های سه گانه پس از این که دانه های برنج بر زمین پاشیده شد، برخی در حال زمزمه کردن سرودهای مربوط به یمه (Yama) یکی از خدایان ودایی است که بر جهان مردگان حکم می راند و هر فرد پس از مرگ در پیشگاه او حاضر می شود. این دانه های برنج را از روی زمین جمع می کنند. (Hillenbrandt A. Art. Cit, 513)

خاکسپاری و مرده سوزی

در دین هندویی بر اساس عواملی همچون سن و طبقه دو گونه برخورد با جسد انجام می پذیرد: ۱- خاکسپاری ۲- سوزاندن (Babb Lawrence, 1975: 90-1)

۱- خاکسپاری

خاکسپاری معمولاً برای اجساد سه گروه انجام می پذیرد: ۱- طبقات فرودست، چرا که آیین مرده سوزی امری پرهزینه است. ۲- کودکان (پسران زیر ۱۱ سال و دختران زیر ۷ سال) چرا که به بلوغ نرسیده اند و لذا برای آرامش روح چنین افرادی نیاز به برگزاری آیین های

گسترده نیست. ۳- قدیسان و افراد بلند مرتبه، چرا که تصور بر آن است که این گونه افراد از گناهان بزرگ مبرا هستند و چندان گناه نکرده اند که برای کفاره گناهان ایشان نیاز به برگزاری مرده سوزی و تشریفات گسترده ای باشد. (Lok.cit)

البته براساس اطلاعاتی که از هجده سرود از ده مندله (Mandala) ریگ ودا به دست آمده (براساس معمول ترین بخش بندی کتاب ریگ ودا، این کتاب به ده بخش کلی تقسیم می شود که هریک از این بخش های ده گانه، مندله نامیده می شود). در دوره ی اولیه ی ودایی جسد را نمی سوزانده اند، بلکه آن را دفن می کردند. بر این اساس، تدفین این گونه برگزار می شد: گودالی می کنند و جسد را در آن قرار می دادند و بیوه فرد متوفی در کنار آن می خوابید یا می نشست و خویشاوندان اطراف آن گودال قرار می گرفتند. در این مراسم حاضران از روح فرد متوفی می خواستند که از زندگی ایشان کاملاً خارج شود و از وارد آوردن هر گونه آسیب به ایشان خودداری کند. سپس فرد مشرف بر مراسم یک ردیف سنگ میان فرد متوفی و بازماندگان قرار می دهد تا حائلی نمادین میان مرگ و زندگی باشد. آنگاه آرزو می کند که هیچ یک از حاضران پیش از گذراندن یک دوره ی طولانی از حیات و دست کم صد سال نمیرد. در این مراسم آتشی نیز برافروخته می شود. Monier, 1974, 274- (5) آن گاه از بیوه ی فرد متوفی می خواهند که از کنار جسد شوهر خود برخیزد و از آن دایره ی سنگ چین بیرون بیاید و به خویشاوندان خود بپیوندد. و خطاب به او چنین می گویند: "برخیزای زن و به جهان زندگان بازگرد تو کنار مردی مرده خفته ای، بازگرد چرا که تو تکلیف خود را به عنوان یک همسر به شوهر خود به کمال ادا کرده ای." (ریگ ودا 8.18.10)

هنگامی که جسد را درون گودال می گذارند چنین می گویند:

"به سوی مادر خود، زمین بازگرد. باشد که نسبت به تو مهربانی کند و تو را نیازارد. ای زمین آغوش بگشا و با مهربانی این مرده را دریاب و به او خوش آمد بگو چرا که تو برای او به منزله ی مادری مهربان هستی." (ریگ ودا 11.18.10)

سپس، در هنگام ریختن خاک بر روی جسد از یمه و نیاکان درخواست می شود که به محافظت از او پردازند. (Op.Cit, 280) اما پس از دوره اولیه ودایی، به تدریج آیین خاکسپاری جای خود را به آیین مرده سوزی داد.

۱- مرده سوزی

مرده سوزی دقیق ترین و مفصل ترین آیین در میان آیین های مربوط به مرگ و پس از مرگ است. این آیین باید در اولین فرصت و هرچه سریع تر انجام شود. شاید این مسئله تحت تأثیر شرایط آب و هوایی شبه قاره باشد. بر این اساس، آیین مرده سوزی باید در همان روز وفات و پیش از غروب آفتاب انجام شود و ضرورت این امر چندان است که حتی روزهای خاص نیز مشمول استثنا نمی شوند (Babb Lawrence, Op.Cit.93)

پیش از مرده سوزی جسد باید شستشو و با پارچه ای تمیز پوشانده شود. برای پوشاندن جسد مرد پارچه ی سفید و برای پوشاندن جسد زن پارچه ی قرمز به کار می رود. حضور برهمن به منظور اجرای مراسم مرده سوزی گرچه امری مرجح است، اما ضروری به حساب نمی آید (Babb Lawrence, Op.Cit.93) مراسم مرده سوزی معمولاً برای سایر افراد جامعه (یعنی افرادی غیر از سه دسته ی پیش تر ذکر شده) برگزار می شود. این مراسم در طبقات مختلف جامعه هندویی، صرف نظر از تفاوت های جزئی، اساساً به طور مشابه برگزار می شود. اینک به توضیح این آیین می پردازیم. (Lok.Cit.93)

پیش از رفتن به محل مرده سوزی، دو ظرف سفالی یکی بزرگ یکی کوچک، مقداری برنج خام، مقداری گل و گیاه، یک چراغ، مقداری چوب خشک و چوب معطر، پارچه ای تمیز به اندازه ای که جسد را بپوشاند، مقداری آب رودخانه ی گنگ، و مقداری آب برای غسل و شستشو فراهم می کنند. (Art.Cit.2WWW.indiancremationnfp.org), پس از آن که جایگاه مخصوص مرده سوزی معین شد، با استفاده از اورادی آن مکان را از دیوان و ارواح خبیث پاک می کنند. نوع چوب مورد نیاز برای مرده سوزی، اندازه ی توده ی چوب (همیشه) و نیز جهت قرار گرفتن این همیشه، براساس احکام و قوانین خاصی تعیین می شود. سپس جسد را بر روی همیشه قرار داده و شست های پاهای فرد متوفی را گره می زنند. (Hillenbrandt, 514)

پیش از آن که جسد را به منظور سوزاندن، بر روی هیمه قرار دهند، آنرا با جامه ای سفید می پوشانند. همچنین پسر بزرگ یا نزدیک ترین خویشاوند فرد متوفی جامه خود را تغییر می دهد و جامه سفید نو بر تن می کند، که در انتهای جامه شیئی فلزی نصب شده است، تا به وسیله آن ارواح پلید در خلال مرده سوزی از جسد دور بمانند. (Wilkins W. J., Op.Cit.453) پسر بزرگ یا نزدیکترین خویشاوند فرد متوفی (مجری مراسم) پس از خواندن نیایش رو به سوی جنوب می کند و سه بار به گرد هیمه می گردد؛ سپس در نزدیکی سر متوفی قرار گرفته، با مشعلی هیمه را بر می افروزد و زانو می زند. چنین خویشاوندی اگر برهنه باشد، در هنگام انجام این عمل باید رشته یا طناب ویژه ی برهنی را بر دوش راست خود حمایل کند. سوزاندن جسد به گونه ای باید انجام شود که بخشی از استخوان های فرد در گذشته باقی بماند تا در مرحله ی بعد با خاکستر به رودخانه افکنده شود. در خلال انجام مراسم مرده سوزی اطرافیان فرد متوفی به عنوان تقدیم قربانی به آگنی، تکه های چوب به روی هیمه می اندازند و به آگنی (Agni) -یکی از خدایان بزرگ ودایی و در حقیقت خدای آتش و به عنوان برهنه خدایان و پیک میانجی میان انسان های روی زمین و خدایان در آسمان که در هنگام مراسم قربانی گذاری و نیایش، پیشکش ها و نیایش های انسان ها را به خدایان می رساند- درود می فرستند. (W.J.Op.Cit,387)

آن گاه پیشکش هایی از قبیل روغن مقدس، آب متبرک و غلات بویژه برنج، ... توسط چهار تن از خویشاوندان ذکور درجه یک و در صورت نبود ایشان، نزدیک ترین خویشاوندان ذکور شخص متوفی که در چهار گوشه می ایستند، تقدیم می شود. سپس همین پیشکش ها را به عناصر مختلف طبیعت تقدیم می کنند، که از جمله آن ها می توان به این موارد اشاره کرد. بادهای پنجگانه حیات بخش؛ آسمان؛ جهات ده گانه؛ آتش؛ هوا؛ خورشید؛ ماه؛ ستارگان؛ دو چشم؛ دو گوش؛ موها؛ پوست؛ خون؛ چربی؛ رگ و پی؛ استخوان ها؛ مغز استخوان؛ نطفه؛ بازایی؛ سخت کوشی؛ زبان؛ اشراق؛ روز؛ توبه؛ مرگ؛ روح؛ قوای جسمانی؛ قوای روحانی؛ و... (John., 1997, 77)

در این هنگام گاوی را می‌آورند، که خویشاوندان نزدیک فرد متوفی آن را احاطه می‌کنند. در صورتی که فرد متوفی در طول حیات خود به قربانی‌گذاری خونی پرداخته باشد، گاو را قربانی می‌کنند و در غیر این صورت پس از آن که گاو به دور هیمه و جسد گردانده شد، آن را رها می‌کنند.

در صورتی که متوفی روحانی باشد، آتش مرده سوزی وی باید از آتش خانه خود او فراهم شود. در غیر اینصورت، یعنی اگر روحانی نباشد، رعایت این نکات کفایت می‌کند که این آتش از آتش مرده سوزی دیگری، یا از خانه فرد بی طبقه‌ای، یا خانه زنی که به تازگی وضع حمل کرده است، یا خانه فرد ناپاکی فراهم نشود (Op.Cit, 456) در جهت شمالی هیمه بیوه ی فرد متوفی به قصد سوزانده شدن زانو می‌زند، اما پس از انجام مراسمی، از او خواسته می‌شود تا برخیزد و به عالم زندگان برگردد که به علت اهمیت موضوع خود سوزی یا سوزاندن بیوه ی مرد متوفی؛ ستی (Sati)، در پایان همین مبحث به آن خواهیم پرداخت. سپس به وسیله ی برخی از ابزار مخصوص مرده سوزی روغن مقدس را بر روی آتش مخصوص این مراسم می‌ریزند. پس از آن جسد را به آتش می‌سپارند که به منزله ی قربانی‌گذاری برای آتش و نیز تقدیم آن به آسمان است. آن گاه نوشیدنی‌هایی به خدایان به ویژه اگنی تقدیم می‌شود. در این مرحله از اگنی خواسته می‌شود که فرد متوفی در آینده به هیاتی که خود بخواهد متولد شود.

در شمال شرق هیمه، گودالی در ابعاد تقریباً نیم متر کنده می‌شود و آن را از آب مقدس پر می‌کنند تا در پایان آتش را به وسیله ی آن خاموش کنند. چرا که عقیده بر این است که فرد متوفی از همین گودال برخاسته، به همراه دود به آسمان می‌رود. در طول اجرای مراسم مرده سوزی، قطعات و سرودهایی از متون مقدس خوانده می‌شود. این قطعات و سرودها براساس مذهب فرد متوفی که می‌تواند ویشنوی، شیوایی، شاکته و ... باشد، متفاوت است. (Hillenbrandt A. Art.Cit.514)

(ویشنوی) مذهب باورمندان به ویشنو یکی از خدایان سه گانه بزرگ هندویی است که او را حافظ کل می‌دانند و برای او قائل به ده تجلی یا اوتار هستند که از این میان نه تجلی

تا به حال صورت گرفته است و دهمین آن‌ها در آخر زمان خواهد بود. (شیوایی) مذهبان؛ معتقدان شیوا یکی از خدایان سه گانه بزرگ هندویی هستند که او را فنا کننده یا مُهلک کل می دانند که البته در تفکر زمان دورانی هندی از آنجا که این فنا کنندگی مقدمه آفرینش جدید است، امری مبارک تلقی می شود. شاکته؛ مذهب مومنان به شکتی است که او را قوه فعاله شیوا یا به عبارت دیگر همسر شیوا می دانند و بر آن هستند که شیوا تنها در صورتی موثر است که شکتی در کنار او باشد).

برافروختن آتش به منظور بازگشت، در خانه و همچنین در محل مرده سوزی یا دفن جسد امری معمول است. به عبارت دیگر از این رهگذر از روح فرد متوفی می خواهند که از خانه یا محل مرده سوزی به سوی عالم دیگر عروج کند که در آن جا دوستان او که پیش از او رفته اند به او خوش آمد می گویند. این باور صرف نظر از این که جزئیات آن تحت تأثیر عقاید هندوها (آریایی‌ها) است، باوری غیر آریایی به حساب می آید. در چنین شرایطی یعنی دعوت روح فرد متوفی به عروج، مجموعه‌ی سر او را می شکنند یا در آتش متلاشی می کنند. در این هنگام اطرافیان فرد متوفی با فریاد از روح او می خواهند که در عالم دیگر باقی بماند و در قالب موجودات دیگر مانند ببر... در نیاید و باعث آزار بازماندگان خود نشود. (Idem. 518) بر اساس بسیاری از اسطوره‌ها، آتش برترین عامل نجات است. آتش موجب باززایی

و باعث نائل شدن فرد به بالاترین مرتبه از حیات خود است. (Richard A., Art. cit, 154)

امروزه برخی از آداب مربوط به مرده سوزی با تفاوت‌هایی برگزار می شود که اجمالاً از این قرار است پس از قرار دادن جسد بر روی هیمه، مجری مراسم سه بار برخلاف حرکت ساعت، گرد جسد می گردد و خویشاوندان نزدیک نیز در پی او این عمل را انجام می دهند. نقطه مبدأ هر گردش پاهای جسد است. دیگر حضار این کار را فقط یک بار انجام می دهند. آنگاه بستگان مقداری برنج خام، سکه یا گل روی دهان متوفی می گذارند. در این هنگام قطعاتی از "بهگود گیتا" Bhagavad gita، "اوپانیشادها" Opanishad یا متونی دیگر خوانده می شود. پس از خواندن این قطعات مجری مراسم ظرفی سفالی را که پر از آب است، بر دوش چپ خود حمل می کند. فرد دیگری با در دست داشتن شیء فلزی نوک تیزی پشت سر

وی قرار می‌گیرد و هر دو، سه بار مخالف حرکت ساعت، به گرد جسد می‌گردند. هنگامی که مجری مراسم به کنار سر متوفی می‌رسد لحظه‌ای درنگ می‌کند و فرد پشت سر او با شیء فلزی نوک تیز، بر ظرفی که فرد مجری بر شانه حمل کرده است ضربه می‌زند به طوری که آن را سوراخ می‌کند و آب از آن خارج می‌شود. نخستین سوراخ در پایین، دومی در وسط و سومی در بالای ظرف ایجاد می‌شود. فرد پشت سر، آب‌هایی را که از ظرف می‌ریزد با پشت دست چپ خود بر روی جنازه می‌پاشد. پس از سومین گردش فرد حامل ظرف، آن ظرف را از پس پشت خود بر زمین می‌اندازد. این آب که آب رود گنگ است حکم عامل جداکننده‌ی متوفی از زندگان را دارد. سپس جمعیت به آرامی متفرق می‌شوند. هرآنچه از خانه به محل مرده سوزی آورده می‌شود، باید در آنجا رها شده یا دور انداخته شود و نباید به خانه بازگردانده شود. (Art.Cit.4WWW.indiancremationfp.org)

البته امروزه، در حالی که امکان مرده سوزی بوسیله گاز یا الکتریسیته (نیروی برق) هست، این مراسم بصورت اجمالی انجام می‌پذیرد و در خلال آن اورادی خوانده می‌شود، و عموماً پیشکش‌های آنگونه که در آیین سنتی تقدیم می‌شد، وجود ندارد. (John, 1997: 77)

این آیین‌ها بیان‌گر چند آموزه است: مرگ بازگشت انسان به اصل خود است؛ پس از مرگ، بدن انسان اهمیت خود را از دست می‌دهد. جسد باید محترمانه به عناصر اولیه‌ی تشکیل دهنده‌ی آن یعنی آتش، آب، خاک، و هوا بازگردانده شود؛ و این که این جهان محل گذر است. در پایان این مبحث، لازم است از آئین خودسوزی بیوه مرد متوفی (ستی) سخن به میان آید چراکه این آیین قبلاً مکمل مراسم مرده سوزی بود.

خودسوزی یا سوزاندن بیوه‌ی مرد متوفی (ستی)

نخستین جایی که در آن به "ستی" یا خود سوزی بیوه اشاره شده است، "ویشنودرمه سوتره" (Vishnu Dharma Sutra) است. (سوتره به گونه‌ای از ادبیات دینی گفته می‌شود که در این شیوه احکام و آموزه‌های دینی در قالب عبارات کوتاه اما پرمغز مطرح می‌شوند که همین کوتاهی و پرمغزی خواننده را در فهم، محتاج به شرح و تفسیر می‌سازد). مهمترین تکلیف زن پس از مرگ شوهر به ویژه در دوره‌هایی که ازدواج مجدد زن بیوه معمول نبوده

انجام ستی بوده است. این رسم در بعضی دوره ها از جمله دوره پیش از وداها به شکل عملی برگزار می شد، اما در بعضی دوره های دیگر مانند دوره ی ودایی شکل نمادین به خود گرفت. (Julius, 30/367-8) یکی از دلایل انجام ستی این عقیده بود که زن وجود مستقلی ندارد و تنها در کنار شوهر معنای وجودی پیدا می کند و بر این اساس با مرگ شوهر، زن فلسفه وجودی خود را از دست می دهد، لذا زیستن پس از مرگ شوهر برای او وجهی ندارد. (Idem, 290-2) آیین ستی تنها در مورد زنی که شوهر او مرده است (چه به صورت نمادین چه به صورت عملی) برگزار می شد و عکس آن یعنی برگزاری این آیین برای مردی که زن او مرده باشد، انجام نمی شد.

در نظام پدرسالارانه زن بخشی از ملکیت مرد به حساب می آید و حداکثر در رأس این ملکیت قرار می گیرد. بر این اساس زن نمی تواند پس از مرگ شوهر، مستقلاً به زندگی ادامه دهد. لذا یکی از راه های رفع این مسئله، ستی است. (Macculloch, 1962:1/122)

دلیل دیگر انجام ستی این است که رستگاری زن در گرو همراهی با شوهر است، لذا با انجام ستی در حقیقت پابندی خود را به این ملازمت نشان می دهد و زمینه ی رستگاری خویش را فراهم می آورد. در "ویشنو درمه سوتره" آمده است که زن پس از مرگ شوهر یا باید تجرد اختیار کند یا به دنبال شوهر خود برود، یعنی بمیرد. "مانو" (Manu) (یا مانوسمرتی مهم ترین کتاب فقهی دین هندویی است) درباره ی "ستی" سخنی به میان نمی آورد. در "مهابهاراتا" (Mahabharata) (بزرگترین مجموعه ی ادبیات حماسی دین هندویی است که در نوع خود از مهم ترین ادبیات جهان به حساب می آید). در چند مورد به این مساله اشاره شده است. "پاتیاناسی" (Pait Binasi) سوتره نویس کهن می گوید: بیوه ای که متعلق به کاست برهمن است، نباید عمل ستی انجام دهد. "سولایانه" (Svalayana) که از "گوتمه" (Guthama) و مانو متأخرتر است این عبارت را چنین تفسیر می کند که "بیوه ی برهمن" نباید در مراسم جداگانه عمل ستی را انجام دهد، یعنی او باید در مراسم تدفین شوهر خود چنین کاری بکند. در مهابهاراتا با اینکه در چند مورد به عمل ستی اشاره شده است، اما سخنی از انجام ستی توسط بیوه زنان کاست برهمن یا "کشتریه" (Kshatrya) به میان

نمی آید و به نظر می رسد که این رسم مخصوص خاندان های سلطنتی و اشرافی بوده است. (Julius, Op.Cit 367-8) نویسندگان متأخر تر مانند "پارارکا" (Apararka) و "مدهو" (Medhu) دیدگاه "متاتی" (Metatithi) را رد کرده و گفته اند در تأیید این رسم، "متره ای ودایی" (Manthara) (به هر قطعه از سروده های ودا گفته می شود و معنای عام آن قطعاً نیست که به شکل اوراد مورد استفاده قرار می گیرد) وجود دارد و در تضاد با "شروتی" (Shruti) نیست. ادبیات دینی هندویی به دو دسته تقسیم می شوند: - شروتی یعنی الهامی، - سمرتی یعنی اجتهادی و در حقیقت هر آن چه به فهم بشری مربوط می شود. در ادبیات "سنسکریت" (Sanskrit) کلاسیک مانند: "کوماراسان بابا" (Kumarasan Baba) و "براهسپتی" (Brahspati)، اشارات متعددی به رسم ستی شده است. "راگوناندانا" (Ragunandana) نیز رواج این سنت را تأیید می کند. (Idem.290-2)

باید گفت که رسم ستی در دوره ی ریگ ودا به صورت نمادین انجام می شد. در این مراسم همسر مرد متوفی در کنار جسد شوهر متوفی خود بر روی پشته ی هیزم می خوابید. او با این کار وفاداری و عشق خود را به همسر خویش حتی پس از مرگ نشان می داد. در حقیقت، هیچ یک از "درمه سوتره" های اولیه و یا متأخر به انجام این رسم به صورت عملی اشاره نمی کنند، و تنها در "ویشنو درمه سوتره" به این مراسم اشاره رفته است. (ویشنو درمه سوتره یکی از متون سوتره ای کلاسیک مهم دین هندویی است که احتمالاً پس از مانو نوشته شده است.) مانو از دواج مجدد زن "نیوگا" (Niyoga) را محکوم می کند. (Idem.293-5)

"سولایانه گرهیه سوتره" (Svalayana Grinhya Sutra) توصیه می کند که در مراسم قربانی گذاری که به مناسبت مرگ بزرگی برگزار می شود، زنان جوان خویشاوند باید چشمان خود را تدهین کنند. آنگاه همسر مرد متوفی را در جهت شمالی پیکر قرار دهند. سپس برادر شوهر متوفی یا کسی دیگر به نمایندگی از وی یا کنیز سالخورده ای به او می گوید: ای زن من تو را به جهان دیگر می برم، تو در کنار همسر متوفی خود بخواب، همسری که دست تو را در دست خود نهاد و به تو عشق ورزید. متره ای دیگر در "اتروه ودا" (Athara Veda) در این باره وجود دارد که می گوید: ای مرد متوفی این زن با انتخاب جهانی که تو در آن

هستی، در کنار تو خوابیده است تا این رسم دیرینه را انجام دهد، در این جهان به او فرزند و ثروت عطا کن. این عبارت نشان می دهد که زن پس از مرگ شوهر می تواند مجدداً ازدواج کند نیوگا گردد. در دوره ی ریگ ودا این رسم متوقف شد و تنها به صورت نمادین انجام گرفت. بدین ترتیب که پس از انجام مراسم تدفین مرد متوفی، همسر وی به گورستان برای انجام عمل سستی به طور نمادین می رفت که در آنجا به او گفته می شد همین که تو تا دروازه های مرگ به دنبال شوهر خود رفته ای، آن چه که از تو انتظار می رود، انجام داده ای، لذا بازگرد. از سال ۶۰۰ پیش از میلاد تا سال ۳۰۰ پیش از میلاد نیز سخن از خود سوزی حقیقی زن بیوه به میان نمی آید. (Idem, 293-5) تا وقتی که ازدواج مجدد زن در جامعه معمول بود، دلیلی بر انجام عمل سستی وجود نداشت. البته باید گفت در دوره های اولیه، این رسم به صورت نمادین انجام می گرفت و تنها به منظور نشان دادن پاکدامنی و وفاداری زن به شوهر خود صورت می گرفت. اما در دوره های متأخر، این رسم شکلی عملی به خود گرفت (Lok.cit) بر اساس مهابهاراتا، پس از مرگ شوهر، زن ممکن است اغفال شود. از آن جا که خلقت زن تنها به منظور تولید نسل است و با مرگ شوهر این هدف منتفی می شود، لذا باید سوزانده شود تا فرزندان نامشروع از وی به وجود نیایند. باید به خاطر داشته باشیم که در این دوره ازدواج مجدد و نیوگا شدن زن ممنوع شده بود. البته این امر مدت زیادی نپایید. زن بیوه که نه می توانست مجدداً ازدواج کند و نه قادر بود نیوگا شود، تنها می توانست از راه پذیرفتن کودک به فرزند خواندگی، از رسم سستی نجات یابد. این امر باعث شد که رسم سستی کمتر انجام شود. (Idem, 295-9) درباره ی قوانین مربوط به ناپاکی عقاید متفاوتی وجود دارد. برخی بر این عقیده اند که دوره ی ناپاکی باید به طور کامل رعایت شود و سستی باید یک روز پس از پایان آن انجام شود. از سوی دیگر در "برهمه پورانه" (Brahma Purana) (از متون مهم مربوط به دوره ی حماسی واز مجموعه ی ادبیات پورانه ای به حساب می آید) آمده است که تنها سه روز اول ناپاکی باید رعایت شود، اما عده ی دیگر مانند "پایت بیناسی" (Paitbinasi)، "همسپدی" (Hamespadi) و "سولاپانی Sulapani معتقدند که در صورتی که زن بیوه بخواهد همراه با شوهر سستی کند، نباید دوره ی ناپاکی را رعایت کند

و در صورتی که بخواهد بعداً ستی کند باید سه روز از دوره ی ناپاکی را نگه دارد. در هر حال آئین ستی چه به طور عملی و چه به شکل نمادین آن، مرحله مهمی از مراسم مرده سوزی به شمار می آید.

نتیجه

در پایان، با توجه به مباحث طرح شده در این نوشتار باید گفت مکمل و در حقیقت متمم اعمال فرد درگذشته در طول حیات (کرمه) خود وی، برگزاری دقیق شعائر مربوط به مرگ او از سوی بازماندگان است. در میان این آیین ها مهم ترین بخش همانا آیین مرده سوزی است که برگزاری دقیق و بهنگام آن از سوی بازماندگان موجب آرامش روح فرد درگذشته و چه بسا ضامن رستگاری او و تاثیر در کیفیت تناسخ وی و حتی تامین سعادت غایی او از رهگذر رهایی از چرخه تناسخ (سمساره) می شود. البته علاوه بر آنچه گفته آمد، نباید از نظر دور داشت که برگزاری این آیین ها و بویژه آیین مرده سوزی در تسلاهی خاطر بازماندگان و بازگشت ایشان به زندگی عادی نقش بسزایی دارد. در حقیقت باید گفت مرده سوزی آیینی است که هم بعد مادی و هم بعد معنوی و روحانی انسان را شامل می شود و از این رهگذر است نشئه بعدی انسان که در آمیزه ای از هر دو بعد تحقق می یابد، معین می شود. لذا این آیین هسته ی مرکزی آیین های مربوط به مرگ به حساب می آید. این آئین به عنوان واپسین قربانی گذاری یک فرد انجام می پذیرد و اهمیت ویژه قربانی گذاری نیز از آن جاست که فرد در گذشته خود قربانی می شود، جنبه دیگر این آئین، حضور آگنی به عنوان دریافت کننده این قربانی و منتقل کننده آن به خدایان است. به طور کلی می توان گفت برگزاری مراسم و شعائر مربوط به مرگ از جمله مرده سوزی، بیش از آن که به خاطر فرد درگشته باشد، برای ترضیه خاطر بازماندگان و نیز دفع شر و خطراتی است که مرده ممکن است برای بازماندگان ایجاد کند. از جمله این خطرات می توان به آلودگی ای که جسد در محیط زندگی ایجاد می کند و نیز شرارتی که ممکن است روح فرد درگذشته برای زندگان ایجاد می کند، اشاره کرد.

همچنین مرگ روابط بازماندگان را با جامعه از حالت عادی خارج می کند و ارتباط ایشان را با خدایان مختل می سازد. چرا که خدایان از خانه ی فرد متوفی خارج می شوند و تا وقتی که آئین ها و شعائر مربوط به مرگ انجام نپذیرد، به خانه باز نمی گردند. لذا اهتمام به برگزاری دقیق این آئین ها به منظور رفع این خطرات و مشکلات امری ضروری است. اما مراسم کفن و دفن را نباید صرفاً مراسمی به منظور انتقال و دور کردن جسد فرد متوفی از میان زندگان دانست. بلکه بازماندگان از رهگذر برگزاری چنین آئینی می کوشند که به مرگ وجدایی فائق آیند. درحقیقت برگزاری مراسم کفن و دفن کارکردهای معنوی مختلفی نیز دارد. درباره مردگان باید گفت این مراسم ایشان را خارج از چهارچوب زندگان در حوزه وقلمرو خاصی قرار می دهد. این آئین همچنین بدان منظور صورت می گیرد که بازماندگان، فرد متوفی را به خاطر بسپارند. کارکرد دیگر این مراسم آن است که بازماندگان را در تحمل اندوه ناشی از مرگ نزدیکان یاری می کند و خلاء روحی بازماندگان را پرمی کند و توگویی باعث تقویت همبستگی بازماندگان می شود. بی توجهی به برگزاری آئین تشییع و تدفین امر نامبارکی برای بازماندگان به حساب می آید. حتی اگر جسد فرد متوفی مفقود شده باشد، مراسم ترحیم و یادبود باید از سوی بازماندگان برای او انجام شود. فراتر از این، غفلت آگاهانه از برگزاری آئین تشییع و تدفین درباره ی گناهکاران و دشمنان و نیز کوشش برای از میان بردن چنین افرادی گناه بزرگی برای زندگان به حساب می آید، چرا که از این رهگذر ممکن است در راه سعادت فرجامین فرد در گذشته مانع بوجود آید.

References

- 1- A.Babb Lawrence. **The Divine Hierarchy**: Popular Hinduism In Central india, New York And London Columbia University Press, 1975.
- 2- Bowker John.**Antyesti**. The Oxford Dictionary of World Religions. New York, Oxford University Press, 1997.
- 3- Crooke W. **Death And Disposal (Hindu)**. The Hindus Encyclopedia Of Hinduism, Ed.Subdh Kapoor,Cosmo Publication, New Delhi, Vol.2, 2000.
- 4- Dransart Penelope. **Death Rituals**. Encyclopedia of Religious Rites, Rituals. And Festivals,Ed, Frank A.Salamone,Routledge,London, 2004.
- 5- Fuchs, Stephen . **The Funeral Rites of Nimar Balahis**. primitive Man, published by: George Washington University Institute for Ethnographic Research,Vol .13, 1940.
- 6- Helvert L.F.Van.**Burial Rites of Gonds**. Encyclopedia Of Religious Rites, Published by: Anthropos InstituteStable,1950.
- 7- Hillenbrandt A.**Death and Disposal (Hindu)**. The Hindus Encyclopedia of Hinduism, Vol.2, 2000.
- 8- Holck F.H.**Death and Eastern Thought**. Abingdon Press, Nashville And New York,1953.
- 9- J.A. Macculloch.**Adultery**. Encyclopedia Of Religion And EthicsVol.1, 1962 .
- 10- Jolly, Julius. **The In Stitution Of Vishnu**. Sacred Books Of The East ,Vol. 30, Motilal Banarasidass, 2001.
- 11- Lijke KoninkBrill. **Funeral And Burial**. New Delhi Metzler Lexikon Religion, Gegenwart, 2001.
- 12- Richard A.**Funeral Rites**. Encyclopedia Of Hinduism, Fobase Publishing ,New York,Vol.2, 1961.
- 13- Wilkins W.J. **Modern Hinduism**: An account Of The Religion And Life Of The Hindus In Northern India. Delhi Bombay, Vikas Publishing House PVT LTD, 1900.
- 14- Williams Monier, M.A, C.I.E. **Religious Thought and Life In India**. Delhi: Mehra Offset Press, 1974.
- 15- WWW.indiancrmatinnfp.org, Hindu Death Rites